

نقش عوامل محیطی و فرهنگی در فرم و ساختار معماری بناهای مسکونی قاجاری

چکیده

شکل و فرم فضاهای مسکونی همواره تحت تأثیر شاخص‌های مختلفی است که در خانه‌های سنتی به‌خوبی رعایت شده و نقش مهمی در سازگاری با اقلیم و ویژگی‌های منطقه‌ای داشته‌اند. خانه‌های سنتی با محیط طبیعی و فرهنگی هماهنگ هستند؛ از عوامل طبیعی بهره برده و در تقابل با شرایط نامساعد اقلیمی کاملاً موفق بوده‌اند. هدف این تحقیق، شناخت نقش عوامل محیطی و فرهنگی در معماری خانه‌های قاجاری است. در این راستا ۱۰ مورد از خانه‌های کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این تحقیق از نوع کیفی - کمی است و مبتنی بر گردآوری داده‌ها از طریق ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه است. روایی پرسش‌نامه از طریق نخبگان تأیید و پایایی نیز از طریق آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ تأیید شد. جامعه آماری بخش کیفی شامل ۱۸ نفر از خبرگان معماری و کارشناسان میراث فرهنگی بوده که به شیوه هدف‌مند و با اشیاع نظری ۱۱ نفر انتخاب شده‌اند. جامعه آماری بخش کمی تحقیق را ۴۶۰ نفر از اساتید و دانشجویان معماری تشکیل داده‌اند. تعداد نمونه براساس جدول مورگان ۲۱۳ نفر است. با توجه به یافته‌های پژوهش در بخش کیفی تأثیر عوامل اقلیمی و زمینه‌ای بر معماری خانه‌های قاجاری کرمانشاه احصاء گردید و در بخش کمی، به‌منظور تعیین اعتبار متغیرهای زمینه‌ای از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. خروجی نرم‌افزار آموس نشان داد تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند، لذا برازش مدل و مسیرها مناسب بوده و متغیرهای برشمرده تأیید گردیدند.

اهداف پژوهش:

۱. مشخص کردن تأثیرات عوامل زمینه‌ای و اقلیمی بر فرم و ساختار معماری بناهای مسکونی قاجاری.
۲. شناخت اثرگذاری عوامل فرهنگی، مدرنیزاسیون و معماری غربی بر فرم و ساختار معماری خانه‌های دوره قاجار.

سؤالات پژوهش:

۱. فرم و ساختار معماری خانه‌های قاجاری از عوامل زمینه‌ای و اقلیمی چه تأثیراتی پذیرفته است؟
۲. عوامل فرهنگی، مدرنیزاسیون و معماری غربی بر معماری خانه‌های قاجاری چه اثراتی داشته‌اند؟

کلیدواژه‌ها: شاخص‌های اقلیمی و زمینه‌ای، معماری، خانه‌های سنتی، دوره قاجاریه.

مقدمه

معماری، نمونه بارزی از پیوند گذشته تا حال است. معماری در حقیقت پیوند عمیقی با توسعه شهر دارد (لهمان، ۲۰۱۶). در همین راستا، بررسی معماری شهرها در عصر و دهه‌های گذشته همواره یک ضرورت انکارناپذیر است؛ چراکه معماری مقوله‌ای است که اگر آن را یکی از مؤلفه‌های فرهنگ به شمار نیاوریم، باید دست‌کم تعامل دوسویه آن را با فرهنگ مهم برشماریم (لفافچی و همکاران، ۱۳۹۹). بررسی و بازشناسی آثار معماری هر منطقه‌ای باتوجه به اقلیم، فرهنگ، شیوه زندگی، آداب و رسوم و عادت‌های مردم آن منطقه راه‌گشای معماران در طرح‌های آتی آنان می‌باشد. بناهای تاریخی هر شهر بخشی از هویت و شناسنامه فرهنگی تاریخی مردمی است که در آن زندگی کرده‌اند (کریمی، ۱۳۹۳). تنوع اقلیمی و فرهنگی سرزمین ایران موجب شکل‌گیری انواع متنوعی از فضاهای معماری شده است. از آن میان می‌توان به معماری فضاهای مسکونی اشاره کرد که بیشترین تأثیرپذیری از خصوصیات محیط طبیعی در آن‌ها مشهود است. (قبادیان، ۱۳۹۳). یکی از موضوعات مهم مرتبط با پژوهش در معماری و طراحی شهری، شناخت عوامل مؤثر در شکل و فرم مناطق شهری و مناطق مسکونی است. برخی از پژوهشگران نقش اقلیم، برخی دیگر عوامل فرهنگی، اقتصادی و تمدنی را در ساختار مناطق مسکونی مؤثر می‌دانند (کابلی و موسوی، ۱۳۹۸). استفاده از مفاهیم توسعه پایدار و مهندسی ارزش در معماری بحث جدیدی به نام‌های پایداری اقتصادی، معماری بوم‌شناسی، معماری سبز، معماری محیط را باز می‌کند (صدیقیان و همکاران، ۱۳۹۹). درواقع، تمام این اصطلاحات اشاره به همان مفهوم معماری سازگار با اقلیم و محیط‌زیست دارند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). عدم توجه به مبانی پایداری معماری سنتی ایران و عوامل گوناگون مؤثر بر آن، پارچه شهری فرسوده و ناپایدار را برای ما به ارمان آورده است (Mahdi Nezhad et al., ۲۰۱۶). در بیشتر کشورهای درحال توسعه مشاهده می‌شود که با نوسازی بخشی از ساختمان، دانش سنتی طراحی هوشمند و پاسخ‌گو در برابر آب‌وهوا از بین می‌رود (Bodach et al., ۲۰۱۴).

در حال حاضر، بیشتر خانه‌های قدیمی در ایران عمدتاً متعلق به دوره قاجاریه تا پهلوی اول هستند (صدیقیان و همکاران، ۱۳۹۹). در بررسی سیر تحول معماری ایران، معماری دوره قاجار از مهم‌ترین ادوار تاریخی معماری ما به‌شمار می‌رود که تأثیرات مهم و به‌سزایی در الگوی مسکن امروزه به‌جای گذاشته است (دبده و همکاران، ۱۳۹۹). این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که جریان تغییر و تحول در مفهوم و کالبد فضا تا پیش از قاجار با روندی بسیار آهسته در معماری ایران حضور داشته است؛ اما در دوره قاجار به‌واسطه تغییرات فرهنگی جامعه ایران در اثر آشنایی با دنیای غرب، این روند بسیار سریع رخ داده است (جمالی و خندانی، ۱۳۹۹)؛ به‌طوری‌که این دوران را می‌توان به‌مثابه پلی دانست که الگوی خانه را از سبک سنتی آن به سبک مدرن معاصر مرتبط نموده است. سبک جدید زندگی‌ای که با الگوهای فضایی پیشین منطبق نیست و نیاز به تدوین الگوهای فضایی جدید دارد.

تاکنون در پژوهش‌های متعددی به معماری خانه‌های قاجاری پرداخته شده است. پژوهش مؤمنی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد که تفکیک و تقسیم فضاها در خانه‌های قاجاری دزفول به دو بخش اندرونی و بیرونی بوده است؛ ایجاد

سلسله مراتب حرکتی، عرصه بندی عمومی و خصوصی، به کارگیری ایوان سرپوشیده، فضای پیش ورودی اتاق ها و تمهیدات مشابه، سبب ایجاد محرمیت در این خانه ها شده است. شاطری وایقان و دبدبه (۱۳۹۸)، بیان می کنند؛ معماری قاجاری الگوهای معماری ایرانی - اسلامی را در قالب معماری قاجاری - غربی ارتقا بخشید و نوآوری هایی را در ساختار معماری پدید آورد. پژوهش طاهری و همکاران (۱۳۹۸)، بیان می کند که خانه های دوره قاجار درون گرا و در اواخر دوره برون گرا بوده اند که این تحول متأثر از فاکتورهایی چون تغییرات ناشی از دگرگونی معماری، تأثیرات معماری غربی و تحول در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه در این دوران بوده است. جمالی و خندانی (۱۳۹۹)، بیان می کنند معماری مسکونی قاجار در گذر از جهان سنت به تجدد، با استقرار برون گرایی به جای درون گرایی و اعمال تغییرات کالبدی، فضایی و تزیینات معماری، تحولی عظیم را پشت سر گذاشته است. یزدی و همکاران (۱۴۰۰)، نشان می دهد که اجزا و فضاهای مختلف خانه های قاجاری یزد مطابق اصول معماری اقلیمی طراحی شده اند که رعایت این اصول می تواند در معماری جدید مسکن و همچنین کاهش هزینه انرژی مفید باشد. چالشگر و همکاران (۱۴۰۰) بیان می کنند سیر تکاملی و تغییرات کالبدی معماری خانه های قاجاری کرمانشاه بر اساس وابستگی به تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ساختار شکل گیری و توسعه شهر قاجاری کرمانشاه میسر شده است. پژوهش محمدزاده و سلطان زاده (۱۴۰۱)، نشان می دهد که سبک زندگی و جنسیت بر معماری و ساخت خانه های قاجاری تأثیرگذار بوده است. پژوهش ذاکرزاده و قربانی نیا (۱۴۰۱)، نشان می دهد تزئینات به کاررفته در خانه های دوره قاجار با تأثیرگیری از هویت، تعلق و وابستگی به مکان در مخاطب، بر ایجاد حس مکان در این خانه ها نقش به سزایی داشته است.

بررسی پیشینه پژوهش بیانگر آن است که تاکنون تحقیق کامل و جامعی در خصوص تأثیرپذیری فرم و ساختار خانه های تاریخی از عوامل محیطی و فرهنگی صورت نگرفته است؛ بنابراین ضرورت شناخت نقش این عوامل در خانه های تاریخی برای جامعه حرفه ای و دانشگاهی معماری لازم است. از سوی دیگر، باتوجه به اینکه اکثر خانه های تاریخی واجد ارزش موجود در ایران مربوط به دوره قاجار هستند، در این پژوهش به نقش عوامل محیطی و فرهنگی در ساختار معماری خانه های تاریخی در دوره قاجار (نمونه موردی: خانه های کرمانشاه) پرداخته می شود.

روش تحقیق از نوع کیفی - کمی است. قلمرو مکانی این پژوهش مطالعه خانه های قاجاری کرمانشاه شامل خانه فیض مهدوی، خانه معین الکتاب، خانه خواجه باروخ، خانه حکیم نصیر، خانه صمدی، خانه یزدی، خانه سیدین، خانه علایی، خانه صارم الدوله (زرشکیان) و خانه گل عنبر است. جامعه آماری بخش کیفی شامل ۱۸ نفر از خبرگان معماری و کارشناسان میراث فرهنگی بوده که به شیوه هدفمند و با اشباع نظری ۱۱ نفر انتخاب شده اند. جامعه آماری بخش کمی تحقیق را تعداد ۴۶۰ نفر از کارشناسان، متخصصان و افراد آگاه به معماری بناهای دوره قاجاریه شهر کرمانشاه تشکیل داده اند. تعداد نمونه براساس جدول مورگان ۲۱۳ نفر است. تجزیه و تحلیل داده های پرسش نامه فرایندی چندمرحله ای است. به منظور تأیید عوامل استخراج شده، از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شد. پرسش نامه پژوهش از منظر روایی مورد تأیید خبرگان قرار گرفت و از منظر پایایی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل بخش کمی از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به قدمت شهر کرمانشاه و وجود بافت‌های تاریخی احتمال می‌رود خانه‌هایی از دوران صفوی و یا قبل از آن در کرمانشاه موجود باشند. ولی براساس نظر کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، خانه‌های تاریخی بارزش غالباً در محدوده زمانی قاجار تا اواخر دوره رضاشاه پهلوی ساخته شده‌اند. ضمناً این خانه‌ها بر اساس نیاز و عملکرد و به مرور زمان ساخته می‌شدند. در اغلب خانه‌های تاریخی بخش‌هایی متعلق به زمان‌های متفاوت است، مثلاً بخشی متعلق به دوران زند، جبهه‌ای قاجار و یا بخشی مربوط به پهلوی وجود دارد. پس از پیمایش میدانی، بررسی تحقیقات انجام شده و پیاده سازی مصاحبه‌ها، ابعاد و معیارهای ارزیابی مشخص گردید سپس متناسب با سؤالات پژوهش مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر از آنها استخراج شدند. مدل نهایی شبکه مضامین مشتمل بر ۱۵ مضمون پایه است که در قالب ۴ مضمون فراگیر و شبکه مضامین نمایش داده شده است. در این بخش باتوجه به مقوله‌های مورد بررسی در چهار بخش مختلف به تبیین نتایج می‌پردازیم:

مقوله اول: تأثیرپذیری فرم و ساختار معماری خانه‌های قاجاری از ویژگی‌های زمینه‌ای این مناطق؛ مضامین سازمان‌دهنده از حیث ویژگی‌های زمینه‌ای شامل انعطاف‌پذیری در طراحی، استفاده از طبیعت، شفافیت و گوناگونی بناها می‌باشد. از ابتدای تاریخ ثبات و استحکام جزء جداناپذیر ساختمان‌ها و بناها بوده است. با گذشت زمان، رؤیاها و آرمان‌های انسان برای خلق سازه‌های منعطف، سبب نوآوری و خلاقیت او شد. این نوآوری‌ها سرانجام منجر به تولید سازه‌هایی شدند که قابلیت حرکت، انعطاف، شکل‌پذیری و تغییر داشتند. انعطاف‌پذیری در معماری خانه‌های قاجاری سعی می‌کند، توانایی‌ها و عملکردهای جدیدی به سازه بدهد، بدون آنکه در مساحت ساختمان و کالبد آن تغییری ایجاد شود. شفافیت و استفاده از طبیعت نیز از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در این زمینه هستند که در اغلب بناهای قاجاری نقش آنها در فرم و ساختار معماری مشهود است.

مقوله دوم: عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار اقلیمی در حوزه معماری خانه‌های قاجاری شهر کرمانشاه؛ مضامین مستخرج از منظر عوامل اقلیمی مؤثر بر معماری خانه‌های قاجاری شهر کرمانشاه شامل عناصر طبیعی (نور و حرارت خورشید، بادوباران، خشکی و رطوبت)، جنس و مقاومت مناسب زمین، تعیین جهت استقرار ساختمان در رابطه با نحوه تابش آفتاب و وزش باد و در نظر گرفتن کوهستانی بودن منطقه و در نظر داشتن نوسان خیلی زیاد دمای هوا در شبانه‌روز در شهر کرمانشاه و استفاده از مصالحی از قبیل: آجر، سنگ و بتن متراکم می‌باشد. ایرانیان به لحاظ شرایط اقلیمی ویژه کشور اغلب برای ساخت بناها از مصالح و مواد مقاوم بهره می‌گرفتند و بر همین اساس در زمینه ساخت بناها تبحر کافی پیدا کردند و به سرعت توانستند به هنر معماری در معنای واقعی آن دسترسی پیدا کنند. دما، باد و زاویه تابش خورشید بیشترین نقش را از نظر اقلیم‌شناسی و تأثیر آن بر معماری دوره قاجار بر عهده دارند؛ بنابراین به منظور آمایش شهری، به‌ویژه در ساخت‌وسازهای جدید، بخش‌های خوش‌آب‌وهوا و دارای شرایط حرارتی مطلوب‌تر به مناطق مسکونی،

آموزشی، اداری، خدماتی و تفرجگاهی اختصاص داده شده است و ابنیه‌ای مانند؛ انبارها، صنایع آلوده‌ساز و امثال آن به نقاط دارای هوای نامساعدتر هدایت شدند. نتایج این بخش با مقاله کهنمویی و سامی (۱۳۹۶) هم‌راستا است.

مقوله سوم: تأثیر مدرنیزاسیون و ورود معماری غربی به خانه‌های دوره قاجار شهر کرمانشاه؛ در این زمینه، مقوله‌های خانه‌های سبک فرنگی یا اروپایی، خانه‌هایی برون‌گرا و راه‌پله محور، محوطه‌سازی انگلیسی و فرانسوی با سطوح وسیع چمن‌کاری، ستون‌ها و سرستون‌های مرمرین به سبک اروپائی، ستون و سرستون‌های فرنگی، کاشی خشتی و هفت‌رنگ، آجرکاری تزئینی، پیشانی شاخص بنا به تقلید از غرب و کاستن از کاربرد نقوش تزئینی اسلیمی و هندسی و منسوخ‌شدن زیگزاگ (جناق) شناسایی شد. در این دوره معماری دچار گسستی بی‌سابقه می‌شود که با عناصری ناآشنا و ناهمگون در آن مواجه است. در این دوره است که شیوه جدیدی در معماری نهادینه شد که معماران ایرانی را بر آن داشت تا عوامل مشخص معماری ایران را با روش و توجه خاصی با عوامل معماری غرب درآمیزد و سنت و تجددگرایی را رودرروی هم قرار دهد. همچنین در این‌بین، اقدامات تجددطلبان برای هماهنگ‌سازی فرهنگ غربی و ایرانی سبب شد ساختمان‌های دوره قاجار همسو با سنت‌های ایرانی و عناصر وارداتی غرب طراحی شوند. در واقع به دنبال نوآوری‌ها و تغییرات حاصل از تجددطلبی معماران محلی نیز تاندازه‌ای سلیقه تازه را پذیرفتند و در کارهای خود منظور کردند. باتوجه‌به این که این دوران نمودی از چالش سنت و تجدد در معماری است؛ از نقوش سرستون‌ها یا نقوش بالای سر در ورودی‌ها گرفته تا عناصری همچون سنتوری، فرم پنجره و حتی اقتباس حجمی از فرم ساختمان، تنها گوشه‌ای از معماری عصر قاجاریه در کرمانشاه را نشان می‌دهد. نتایج این بخش با مطالعات صنیعی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و زارعی و همکاران (۱۳۹۶) هم‌راستا است.

مقوله چهارم: اثر ویژگی‌های فرهنگی و سبک زندگی مردم کرمانشاه بر شکل‌گیری ساختار معماری خانه‌های قاجاری؛ از این منظر نیز مقوله‌های اصول معماری ایرانی (مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی، درون‌گرایی)، سبک فرنگی‌سازی و حضور اسباب و وسایل زندگی غربی شناسایی شد. استفاده از اصول معماری ایرانی نظیر مردم‌واری خودبسندگی و درون‌گرایی بیشتر در معماری خانه‌های آغازین دوره قاجار مشهود است و تأثیرپذیری ساخت‌وساز از فرهنگ غربی برای اولین بار از زمان قاجار و بعد از انقلاب مشروطه شروع شد که بیشتر در خانه‌های دوره پادشاهان متأخر قاجاری دیده می‌شود. در آن زمان پادشاهان قاجار با واردکردن برخی از این فرهنگ‌ها به نحوه ساخت خانه‌ها، اولین قدم را در این مسیر برداشتند. سبک‌های بین‌المللی ساختمان‌سازی فارغ از عدم انطباق برخی از مشخصات آن‌ها با شرایط آب‌وهوایی محلی و بومی و حتی شاخص‌های فرهنگی در هر نقطه‌ای از جهان وارد شده و تأثیر خود را گذاشته‌اند. اما تأثیرات برگرفته از فرهنگ غربی در معماری خانه‌های قاجار موارد مختلفی را شامل می‌شود که برخی از آن‌ها هنوز هم خیلی در میان جامعه ایرانی جا نیفتاده‌اند. بارزترین تأثیر فرهنگ غربی در خانه‌های قاجاری کرمانشاه مربوط به نوع ساخت و تغییر مبلمان این خانه‌ها است. نتایج این بخش با مطالعات مؤمنی و همکاران (۱۳۹۶) هم‌راستا است.

فهرست منابع و مآخذ

- برومند سرخابی، هدایت‌الله. (۱۳۸۸). در جست‌وجوی هویت شهری کرمانشاه، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- جعفری، نسرین؛ برنا، رضا، و اسدیان، فریده. (۱۳۹۹). «شبیه‌سازی تأثیر عناصر معماری در کاهش بار سرمایشی داخلی ساختمان در شهر تهران (مطالعه موردی: مناطق ۱۲ و ۲۲)». مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۰(۵۷)، ۱۸۷-۲۰۴.
- جمالی، سیروس و نادیا، خندان. (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی خانه‌های سنتی دوره قاجار (نمونه موردی: شهر تهران و تبریز)». مجله شباک، ۶(۴)، ۱۴۳-۱۵۴.
- چالشگر، پگاه؛ خاکپور، مژگان، و اصغرزاده، علی. (۱۴۰۰). «ارزیابی توسعه معماری و شهرسازی مدرن در معماری خانه‌های قاجاری (موردشناسی: شهر کرمانشاه در منطقه غرب ایران)». مجله جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای، ۱۱(۴۰)، ۸۳-۱۰۸.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۹۸). خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حق‌جو، امیر و همکاران. (۱۳۹۸). «سیر تحول اندام‌های اصلی خانه‌های تبریز از دوره قاجار تا اواخر دوره پهلوی دوم»، مجله صفه، ۲۹(۳)، ۱۲۱-۱۴۰.
- حق‌لسان، مسعود؛ مهری، ایرانی و نیکنام، سودا. (۱۳۹۹). «مطالعه سیر تحول ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایرانی از بعد کالبدی و ارتباطی با روش نحو فضا (نمونه موردی: خانه‌های دوره قاجاریه و پهلوی تبریز)». مجله مسکن و محیط روستا، ۳۹(۱۷۲)، ۱۷-۳۲.
- دبده، محمد؛ وایقان، امید و کهیازاده، وحید. (۱۳۹۹). «نقش خانه‌های تاریخی دوره قاجار در جذب گردشگری و جاذبه‌های اکوتوریسم در شهر تبریز با بررسی محوریت توسعه پایدار». مجله شباک، ۶(۳)، ۱۷۰-۱۸۸.
- ذاکرزاده، امیرحسین؛ قربانی‌نیا، انیسه. (۱۴۰۱). «تزئینات خانه‌های دوره قاجاریه و تأثیر آن در ایجاد حس مکان (نمونه موردی: خانه‌های مشیرالدوله، مؤتمن‌الاطباء، اعلم‌السلطنه)». مجله علمی مطالعات فرهنگی، ۱۷(۵۲)، ۱۲۷-۱۵۴.
- زارعی، هانی؛ رازانی، مهدی و قزلباش، ابراهیم. (۱۳۹۶). «بازشناسی الگوی طراحی خانه‌های تاریخی شیراز در دوره قاجاریه با رویکرد اقلیمی». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی، ۱۳(۷)، ۲۲۵-۲۴۲.
- شاطری وایقان، امید و دبده، محمد. (۱۳۹۸). «ساختار معماری خانه‌های تاریخی ایران؛ دوره قاجار». مجله شباک، ۷(۷)، ۱۶۴-۱۴۹.

صدیقیان، حسین؛ نیکزاد، میثم؛ اشنویی نوش‌آبادی، امیر و قاسمی، الهام. (۱۳۹۹). «تأثیر شرایط اقلیمی بر ساختار و اجزای معماری خانه‌های سنتی منطقه گرم و خشک شهرستان خوسف»، خراسان جنوبی. مجله علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۱۴ (۴)، ۱۲۵-۱۴۶.

صنّعی‌پور، حمید؛ فرهاد، شراره و میرزاعلی، محمد. (۱۳۹۶). «واکاوی معماری سنتی دوره قاجار در عمارت دارالحکومه مفخم بجنورد». مجله هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۲ (۲)، ۷۵-۸۶.

طاهری سرمد، فائزه؛ عینی‌فر، علیرضا، و شاه‌چراغی، آزاده. (۱۳۹۸). «مقایسه تطبیقی گونه‌شناسی سازمان فضایی و عناصر کالبدی دوره‌های قاجار و پهلوی خانه‌های سنتی شهر کرمانشاه». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی، ۹ (۲۳)، ۱۶۸-۱۴۹.

قاسمیان، عیسی و نصر، طاهره. (۱۳۹۷). «بررسی مطلوبیت فضایی خانه‌های سنتی براساس مؤلفه‌های راندمان عملکردی (مطالعه موردی: خانه‌های دوره قاجار در شهر یزد)». مجله مطالعات محیطی، ۲۳ (۲)، ۱۰۷-۱۲۱.

قبادیان، وحید. (۱۳۹۳). معماری دارالخلافه ناصری: سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، تهران: نشر پشتون. کابلی، احمدرضا و موسوی، سید فائزه. (۱۳۹۸). «بررسی مؤلفه‌های جدید معماری در دوره پهلوی». مجموعه مقالات ششمین همایش ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط‌زیست، ۷۸-۸۹.

کریمی‌راد، سینا؛ بنازاده، بهاره؛ زارعی، هانی، و قزلباش، ابراهیم. (۱۳۹۸). «ارزیابی و تحلیل آسایش حرارتی در حیاط خانه‌های تاریخی شهر شیراز در دوره قاجاریه». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۹ (۲۰)، ۱۸۳-۲۰۲.

کریمی، علی. (۱۳۹۳). حقیقت-خانه، رهیافتی به شناخت قدر و منزلت شایسته خانه، رواق نظر، ده مقاله در معماری، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، تهران.

کهنمویی، ناهید و سامی، زیبا. (۱۳۹۶). «حیاط در کالبد خانه‌های سنتی ایرانی (دوره قاجار) و تحول آن در کالبد دهه اخیر»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی معاصر جهان، صص. ۱۰۴-۱۱۷.

لفافچی، مینو؛ دهباشی شریف، مزین، و اعتصام، ایرج. (۱۳۹۹). «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های معماری و فرهنگ باتکیه بر کاربرد تکنولوژی در عصر جهانی‌شدن (مورد مطالعه: شهر تهران)». مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۰ (۵۹)، ۲۵۳-۲۶۷.

محمدزاده، سودابه؛ سلطان‌زاده، حسین و دباغ، امیرمسعود. (۱۴۰۱). بازتاب جنسیت و سبک زندگی در خانه‌های دوره قاجار اردبیل». مطالعات هنر اسلامی، ۱۹ (۴۷)، ۵۲۴-۵۴۵.

محمدی، عرفان و مختاری، مهدیه. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر معماری سنتی بر معماری معاصر با نگاه بر معماری شهر کاشان». مجله معمار شناسی، ۱ (۲)، ۱-۱۲.

مؤمنی، کوروش؛ عطاریان، کوروش، و قدردان قراملکی، رضا. (۱۳۹۴). «بررسی تزئینات خانه‌های قاجاری شهر قم (مطالعه موردی: خانه شاکری قم)». نگارینه هنر اسلامی، ۷ و ۸: ۱۲۷-۱۴۲.

مؤمنی، کوروش؛ عطاریان، کوروش؛ دیده‌بان، محمد و وصال، مریم (۱۳۹۶). «محرمیت در معماری خانه‌های دزفول (مطالعه موردی: دوران قاجاریه)». مجله جلوه هنر، ۱۰(۲)، ۷۹-۹۲.

نکویی مهر، فاطمه؛ سلطان‌زاده، حسین و میر شاهزاده، شروین. (۱۴۰۱) «مطالعه تطبیقی نقوش غربی و نقوش ایرانی عمارت‌های دوره قاجار موردپژوهی: عمارت باغ عفیف‌آباد شیراز». مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۶۹۲-۷۱۴.

یزدی، یاسمن؛ مفیدی شمیرانی، سید مجید و اعتصام، ایرج. (۱۴۰۰). «بررسی رابطه اجزای کالبدی خانه‌های بومی اقلیم گرم و خشک ایران (مطالعه موردی: خانه‌های قاجاری یزد)». مجله علمی باغ نظر، ۱۸(۹۶)، ۵۹-۷۶.

Bodach, S., Lang, W., & Hamhaber, J. (۲۰۱۴). Climate responsive building design strategies of vernacular architecture in Nepal. *Journal of Energy and Buildings*, ۸۱, ۲۲۷-۲۴۲.

Mahdi Nejad, J., Sadeghi Habibabad, A., & Lotfi Zadeh, G. (۲۰۱۶). The Necessity of Revitalizing the Traditional Elements Effective on Economic Sustainability and Cost Management (Case Study of Tabatabai's House). *Journal of Procedia Economics and Finance*, ۳۶, ۸۱-۸۸.